



پناهی سعادت - دانش در عوالم ملکوتی است

در آفتاب جمع سعادت بر آبروی

از من بگو به سبب چه است تا کار

خوار اگر عیب تو زمان شود ز صلی

روز شکر بدست آید از زمام حل

آن روز نامه عمل بر که خون آلود

کردار مرد عاقل و فاضل بود گله

الضائف که بگردید که اسبند

عداوت و ثبوت دولت و دین آنگه بنزد

دو آسمان نام نخت از این بستر مای

با بقدر دشمنی مکن از زنت به نهم

از شب سرو کوزه در بگریخته سگراش

جسم گند بر غم خود آن را راحش

بهر کمان دوست مهنا همارای

نی حرف مایه گوئی و الفاظ دادمان

را آراف ناسزا کنده مدح نامجایی

بر گوئی سلاسل و زنجیر بر روی

صفحه (۲۰۱ / ۲۰۰)

الد الفاضل سحر زخمانی (لقه السلطان)

در اجماع مایه شوق

دشمن غمناک رضی الملک لودن جانم سحر در اجماع مایه دارد

سنگت سب

دستار بهارین قصیده را در استقبال قصیده معروف سعید  
 یا مطلع « نام رذل چو کاس آینه صدارت نامی » که در وقت سعید  
 از او با هم آرزو از عهد بوی آمد است. نغمه و نغمه در دستار  
 دوران استعداد نظم رضا خانی از حکومت و دوران در دوران  
 تر و تر « در این قصیده انقضای روشن دیگرانی دارد. نقش  
 لوتی در آن دوران بسیار است که « چشم امید » نام آن است  
 و از این عجز و زبیر زهر را اگر مکنه. اگر آن نظام دستار  
 از فرط درد و غم که در آن ایام خراب دیده ای  
 مع سینه و روزگاری هم در زندگش فراموش کردید مردانه و نه الهی  
 بزرگوارانه مردم بر این بابان دادن حکومت « دوران تر و تر نامی »  
 دیگر سینه حق و شرف چشم امید را با از گوید و در

سبائی روشنائی با «عینہ آن فونگی» بیکار مردم در راه صبح

از آری دلفروزی سرد است

مناجات دوسم سال در گذشت ایف از دستارها به سحر شب

را که با وجود رنگی از وجه نوسیدی، بشک از زینا برین و گرا برین

دما راست در اینجا در پی شکست

صفحه ۹۷ مجله شماره ۴۰۰ سال ۱۳۳۳

دانشگاه تهران

رابع شهر ۱۷

نگارخانه - در اثر زور سادروک، با استادان وضع زندگاری بخارا  
دختران ملت ایران را در دوران جنگ کردها (۱۳۰۵)

بعد از اصلاح لغو شده کرد .  
مدت نگارخانه ۷  
۱۳۰۰ -  
صفحه ۱۳۱

۱۹۲۱  
۱۹۶۱